

## بررسی اثربخشی مهارت حل تعارض بر گرایش به جنس مخالف در دختران

فرشاد پهلوان زاده<sup>۱</sup>، ژاله رفاهی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه یکی از مسائلی که جوانان ما را در تضاد و تنش قرار می‌دهد، چگونگی روابط دختر و پسر با توجه به گرایش‌های فرهنگی، دینی، عرفی، اجتماعی و خانوادگی او می‌باشد. در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان آزادی رابطه دختر و پسر مشهود است، نسل جوان ما نمی‌داند با این موضوع چگونه برخورد کند. این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل تعارض بر گرایش به جنس مخالف دختران مجرد در شهر اصفهان اجرا شد. روش پژوهش شبه آزمایشی و جامعه آماری شامل کلیه دختران مجرد منطقه ۱۱ شهر اصفهان بوده که از این افراد به صورت نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۰ نفر از دختران مجرد که به فرهنگسراهای منطقه ۱۱ مراجعه می‌کردند انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار داده شدند. برای اندازه‌گیری از پرسشنامه نگرش به جنس مخالف استفاده و بر روی گروه آزمایشی بسته آموزشی مهارت حل تعارض اجرا شد. نتایج به دست آمده از روش آماری تحلیل کواریانس تک متغیره نشان داد که بین میانگین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد ( $P < 0.05$ ). نتیجه کلی به دست آمده بیانگر اینست که آموزش مهارت حل تعارض باعث کاهش گرایش به رابطه با جنس مخالف در دختران شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت حل تعارض، گرایش به جنس مخالف، تعارض

کارشناسی ارشد، [f.pahlavanzade1394@gmail.com](mailto:f.pahlavanzade1394@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مدیر گروه رشته مشاوره، [zhalerefahi210@gmail.com](mailto:zhalerefahi210@gmail.com)

## مقدمه

در سال‌های گذشته به دلیل موانع ازدواج و بالارفتن سن دختران و پسران مجرد در شرف ازدواج برای رفع نیازهای خود از جمله نیاز به دوست داشته شدن و داشتن یک همدم و گاهی برای رفع نیازهای جنسی آمار گرایش و تمایل به روابط نزدیک با جنس مخالف رو به افزایش می‌باشد (بیرامی، محمدپور، غلامزاده و اسماعیلی، ۱۳۹۱).

منظور از ارتباط یا رابطه با جنس مخالف، ارتباطی نامیده شده است که غیر از ازدواج، عقد و نامزدی رسمی و نیز ارتباطی خارج از حد همکلاسی، همکاری و یا آشنایی معمولی در فامیل است، بلکه این رابطه، رابطه‌ای است عاطفی و صمیمانه که اغلب دور از چشم خانواده صورت می‌پذیرد. این رابطه را چه در زمان مجرد بودن و چه پس از ازدواج می‌توان متصور بود (میرزایی و برغمندی، ۱۳۸۹).

یکی از روش‌های کارآمد برای افزایش تمایل به ازدواج و بهبود نگرش به آن و کاهش اشتیاق به روابط با جنس مخالف بررسی فواید و مضرات هرکدام است و مهم‌ترین اقدام درباره این موضوع حل کردن تعارضات و درگیری درونی با این موارد است. واقعیت این است که بسیاری از ما انسان‌ها نمی‌دانیم چگونه باید با مشکلات مقابله کنیم. به عبارت دیگر راهکار مشخصی برای حل مسأله خود نداریم. روانشناسان معتقدند که حل تعارض، یک فرایند است و اگر فرد بخواهد برخورد درستی با مسئله خود داشته باشد بهتر است مراحل را در این فرآیند طی کند (شریف، سلیمانی و مانی، ۲۰۱۳).

مهارت حل تعارض عبارت است از تعریف دقیق مشکلی که فرد با آن روبرو است شناسایی و بررسی راه حل‌های موجود و برگزیدن و اجرای راه حل مناسب و ارزیابی فرآیند حل تعارض بطوری که فرد دچار دغدغه و اضطراب نشود و از راه‌های غیر سالم برای حل مشکلات خویش استفاده نکند (هانگ لیم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

لینامن<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، گام اول را در شناخت تعارض، بررسی موانع تعارض می‌داند. این موانع دربرگیرنده‌ی نگرش به جنس مخالف، بیان نکردن روشن و شفاف احساس‌ها و افکار و نداشتن مهارت‌های ارتباطی است. میلر و زورادی (۱۹۹۴؛ حسینیان و شفیع‌نیا، ۱۳۸۴)، یک دوره‌ی هفت مرحله‌ای برای کنترل تعارض پیشنهاد کردند:

---

<sup>۱</sup> - Hong Lim

<sup>۲</sup> - Linaman

- ۱- بازشناسی مشکل: درگیران تعارض، شناخت خود را از مشکل افزایش دهند.
  - ۲- تعریف مشکل: شخصی زمانی که دیگری درباره‌ی مشکل سخن می‌گوید، به درستی گوش کند و بعد از پایان سخن او دیدگاهش را بازگو کند.
  - ۳- پای بندی: درگیران تعارض، همه‌ی تلاششان برای حل مشکل و بهبود روابطشان باشد.
  - ۴- بازگویی نکات برجسته‌ی رفتارهای خوشایند و ناخوشایند: متعارضان برای حل مسائلشان، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند یکدیگر را در حضور هم بازگو کنند، بی‌آنکه سخنان جنبه‌ی ارزشی و پیش‌داوری داشته باشد.
  - ۵- گفت و گو: درگیران تعارض با طرح روشن و صمیمانه دیدگاه‌های متفاوت خود برای رسیدن به تفاهم تلاش کنند.
  - ۶- پیمان: برای آن که هر یک از دو سوی تعارض عبارت‌ها و رفتارهایی ویژه به کار گیرند تا خشنودی از ارتباط افزایش یابد پیمان و تعهدی بسته می‌شود.
  - ۷- پیگیری: پیمان‌ها هفتگی بررسی می‌شود که چنانچه نیاز به بازنگری و تغییر دارد اصلاح شود.
- ضمناً تعارض یک بخش اجتناب ناپذیر در زندگی است که گرچه معمولاً به شکل منفی در نظر گرفته می‌شود اما می‌تواند بطور مثبت هم به کیفیت روابط و هم به رشد شخصی کمک کند و این زمانی است که بتوان با شیوه‌های صحیح و کارآمدی به حل تعارض پرداخت (بولتون؛ ترجمه سهرابی، ۱۳۸۱).
- در کشورهای خارجی به دلیل اینکه این مسائل و داشتن دوست از جنس مخالف طبیعی می‌باشد و یک مسئله به حساب نمی‌آید پژوهش‌هایی صورت نگرفته اما در ایران این یک مسئله خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی است و در جامعه این نوع روابط ناپسند و پژوهش در این زمینه خیلی محدود می‌باشد از جمله پژوهش‌ها در این زمینه کمالی سنزیقی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود نشان داد که بین ۵۴-۵۸ درصد از دانشجویان روابط دوستی قبل از ازدواج را تجربه کرده‌اند. نتایج بیانگر میزان قابل تامل شیوع روابط با جنس مخالف در بین جوانان است. خوانساری و سلیمانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان مقایسه‌ی هوش هیجانی دو گروه مجرد دارای ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران به این نتایج رسیدند که بین میانگین نمرات دو گروه (دارای رابطه و بدون رابطه دوستی) در متغیرهای حل مسئله، خودشکوفایی، واقع‌گرایی، خوش‌بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، خود ابرازی و هوش هیجانی کلی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، و در این موارد، تفاوت به نفع گروهی است که

با جنس مخالف رابطه ندارند. در سایر متغیرها تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد. میرزایی و برغمندی (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن به این نتایج دست یافتند که بین گرایش به رسانه‌ها، نحوه استفاده از اینترنت، شرایط دوستان، گرایش به نوع حجاب، مذهبی بودن پاسخگویان و خانواده آنها و گرایش به رابطه با جنس مخالف رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین دانشجویان حوزه‌های علمی گوناگون و نیز دختران و پسران در گرایش به رابطه با جنس مخالف تفاوت معنی‌داری وجود دارد. عابدی، هویدافر و یوسفی (۱۳۸۴)، در پژوهشی به بررسی فرمت آموزش روابط سالم و پیش‌گیری از روابط آسیب‌زای دختر و پسر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که آموزش برقراری رابطه سالم و مهارت ارتباط با پیشگیری و رابطه‌های آسیب‌زا رابطه معناداری دارند و آموزش باعث کاهش روابط با جنس مخالف می‌شود.

با توجه به اینکه در جامعه امروزی ارتباطات پیش از ازدواج و روابط دختر و پسر بخشی از فرآیند عادی زندگی محسوب می‌گردد که می‌توان آن را با درک نیازهای طرفین به یک رابطه قراردادی و نظام‌مند تبدیل نمود و ارتباط دو جنس نه در جهت تخلیه عاطفی بلکه به منظور اهداف متعالی‌تر همچون کسب مهارت‌های ارتباطی برقرار گردد، اما هنوز پژوهش‌هایی به صورت آموزش در این زمینه انجام نشده است و پژوهش‌ها بیشتر به بررسی عوامل موثر در گرایش به این روابط پرداخته‌اند. همچنین برای پیشگیری از آسیب‌های این روابط برای جوانان و خانواده‌های آنها مخصوصاً برای دختران که آسیب پذیرتر می‌باشند انجام این پژوهش‌ها لازم و ضروری می‌باشد. لذا هدف پژوهش انجام شده بررسی این است که آیا آموزش مهارت حل تعارض بر گرایش به روابط با جنس مخالف در دختران موثر می‌باشد؟

## روش پژوهش

این پژوهش شبه آزمایشی بود و جامعه آماری این تحقیق را دختران مجرد منطقه ۱۱ شهر اصفهان در سال ۱۳۹۴ تشکیل دادند. با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس تعداد ۴۰ نفر توسط لیستی که در فرهنگسرا نام نویسی کرده بود انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گروه کنترل (۲۰ نفر) قرار گرفتند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه گرایش به جنس مخالف و بسته آموزشی مهارت حل تعارض استفاده شده است.

پرسشنامه گرایش به جنس مخالف شامل پرسشنامه محقق ساخته (شاه‌آبادی و سلیمانی) در سال ۱۳۸۹ است. این پرسشنامه نگرش‌سنج است و میزان موافقت افراد را برای ارتباطات خارج از چارچوب با دوستان غیرهم‌جنس مورد سنجش قرار می‌دهد. به منظور ساخت پرسشنامه تعداد ۱۰۰ گزاره

طراحی شد و در اختیار اساتید و روانشناسان از جمله دکتر عبدالله شفیع آبادی و دکتر حسن پاشا شریفی قرار گرفت و از آنان خواسته شد نظرات خود پیرامون روایی محتوی گزاره‌ها بطور مکتوب بیان نمایند. پس از بدست آمدن روایی محتوی سؤالات نامرتبط حذف گردید. پس از ساخت پرسشنامه بار دیگر از اساتید دانشگاه در رشته روانشناسی و مشاوره خواسته شد با مطالعه پرسشنامه تکمیل شده نظرات خود را کتباً اعلام نمایند. پس از استخراج نظرات، اصلاحات لازم اعمال گردید. پس از آن پرسشنامه به منظور اعتباریابی در اختیار ۳۵ دانش‌آموز قرار گرفت. سپس اعتبار آزمون ضریب آلفای کرونباخ برای هر کدام از مؤلفه‌ها محاسبه شد. برخی از سؤالات با اعتبار پایین‌تر از ۰/۷۰ حذف گردید و دوباره بر روی نمونه ۱۰۰ نفره دیگر تکرار شد نمونه نشان داد با حذف سؤالات اعتبار برابر ۰/۹۳ را نشان داد و در پایان از جامعه آماری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران نمونه آماری شامل ۶۴۵ دانش‌آموز به شیوه تصادفی خوشه‌ای از ۳۵ دبیرستان انتخاب گردید و آزمون بار دیگر تکرار گردید. نتایج نشان داد این آزمون دارای روایی ۰/۹۳ می‌باشد.

در این آزمون سؤالات ۴، ۵، ۸ به صورت منفی نمره‌گذاری می‌گردد و مابقی نمرات در صورت کاملاً موافقم، ۵، موافقم، ۴، نظری ندارم، ۳، مخالفم، ۲، کاملاً مخالفم، ۱. نمرات هر یک از گزاره‌ها از شماره یک تا شانزده جمع شده سپس تقسیم بر تعداد آنها یعنی ۲۲ می‌گردد. نمره حاصله بیانگر میزان نگرش فرد می‌باشد. سؤالات ۲۳ تا ۲۵ گرایش فرد را می‌سنجد و محاسبه نمی‌گردد. هر چه نمره به ۹۸ نزدیکتر باشد بیانگر نگرش مثبت به این روابط می‌باشد. سؤال ۱۷، ۱۸ و ۱۹ میزان گرایش به این روابط را نشان می‌دهد (شاه آبادی و سلیمانی، ۱۳۸۹). ضریب پایایی پژوهش حاضر ۰/۹۱ به دست آمد.

بسته آموزشی مهارت حل تعارض براساس بسته آموزشی مهارت‌های زندگی و مشاوره پیش از ازدواج بهزیستی استان اصفهان و مقالات مربوطه تهیه گردید و برای افراد گروه آزمایش در طی ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای برگزار شد. محتوای جلسات آموزشی عبارت است از:

- ۱- آشنایی و معارفه
- ۲- بررسی علل گرایش افراد نمونه به رابطه با جنس مخالف
- ۳- توضیح مفهوم تعارض و شیوه‌های حل آن
- ۴- بررسی مکانیسم‌های دفاعی برای حل تعارض
- ۵- آموزش مهارت‌های بین فردی به عنوان شیوه حل تعارض
- ۶- آموزش مهارت حل مساله و تمرین شیوه‌های بیان احساس‌ها و خواسته‌ها
- ۷- بیان ارزش‌ها و الویت‌بندی آن‌ها

۸- تعیین هدف براساس ارزش‌ها

۹- ارزیابی

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کواریانس تک متغیره استفاده شد.

### یافته‌ها

میانگین و (انحراف معیار) نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گرایش به جنس مخالف گروه کنترل به ترتیب ۵۴.۵۵ و (۱۱.۸۵) و ۵۴.۸۰ و (۱۱.۵۶) می‌باشد. میانگین و (انحراف معیار) نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گرایش به جنس مخالف گروه آزمایشی به ترتیب ۵۲.۹۵ و (۸.۸۳) و ۵۲.۷۵ و (۸.۹۹) می‌باشد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیر گرایش به جنس مخالف

گروه	آزمون	میانگین	انحراف معیار
کنترل	پیش‌آزمون	۵۴.۵۵	۱۱.۸۵
	پس‌آزمون	۵۴.۸۰	۱۱.۵۶
آزمایش	پیش‌آزمون	۵۲.۹۵	۸.۸۳
	پس‌آزمون	۵۲.۷۵	۸.۹۹

برای انجام تحلیل کواریانس پیش فرض‌های آماری (آزمون لوین و شیب رگرسیون و برابری توزیع میانگین) انجام شده و تمام پیش فرض‌ها از لحاظ آماری رعایت گردید.

نتایج فرضیه "آموزش مهارت حل تعارض بر گرایش به جنس مخالف در دختران مجرد شهر اصفهان تاثیر معناداری دارد" در جدول شماره ۲ بیان شده است.

جدول ۲- خلاصه نتایج تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس‌آزمون گرایش به جنس مخالف

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا	توان آزمون
پیش‌آزمون	۳۶۷۱.۶۷	۱	۳۶۷۱.۶۷	۱۶۴۱.۱۱	۰.۷۳	۰.۰۰۳	۱.۰۰
گروه	۰.۲۵	۱	۰.۲۵	۰.۱۱	۰.۰۰۰	۰.۹۸	۰.۶۳
خطا	۷۶.۰۶	۳۴	۲.۲۳				
کل	۴۱۱۶.۹۷	۳۹					

پس از کنترل اثر پیش‌آزمون، تأثیر آموزش مهارت حل تعارض بر نمرات پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر گرایش به جنس مخالف بررسی شد. همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهند، بین میانگین دو گروه ( $P < 0/05$ ) تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرد. این نتیجه بدان معناست که آموزش مهارت حل تعارض بر متغیر گرایش به جنس مخالف، در آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون مؤثر بوده است و گرایش آن‌ها را به جنس مخالف کاهش داده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

در همسو بودن یا نبودن یافته‌های فرضیه با پژوهش‌های پیشین، پژوهشی در این زمینه مشاهده نشد به دلیل اینکه این مساله یک مساله فرهنگی است و با مذهب و عرف جامعه درگیر می‌باشد، بنابراین در تاثیر یا رد این فرضیه صرفاً با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های موازی به تبیین نتایج پرداخته شده است. یافته پژوهش حاضر با یافته پژوهش مشابه خوانساری و سلیمانی (۱۳۹۰)، که نشان دادند بین میانگین نمرات دو گروه (دارای رابطه و بدون رابطه دوستی) در متغیرهای حل مسئله، خودشکوفایی، واقع‌گرایی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، خودابرازی و هوش هیجانی کلی تفاوت معنی‌دار وجود دارد همسو و هماهنگ می‌باشد.

در معنادار شدن این فرضیه‌ها می‌توان بیان نمود به دلیل اینکه آموزش مهارت به دختران شبیه مشاوره گروهی بوده و این افراد در یک مساله با هم مشترکند و همه حق اظهار نظر داشتند و به صورت مشارکتی بوده و فقط به صورت آموزش کلاسی نبوده است و اعضای گروه هر جلسه تکلیف منزل داشتند که در یادآوری و تمرین مهارت مؤثر می‌باشد. همچنین جامعه آماری دخترانی بودند که در مرحله پیش از ازدواج قرار داشتند و در یک طیف فرهنگی، مذهبی، وضعیت اجتماعی زندگی می‌کردند.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان بیان نمود که یکی از هدف‌های مشخص شده در جامعه تشکیل خانواده و ازدواج است که در خود اهداف و کارکردهای آشکار و پنهان فراوانی را نهفته دارد و این جامعه است که وظیفه دارد در راه نظم اجتماعی وسایل و راه‌های رسیدن به این هدف معنوی را در اختیار افراد خود و نیروی جوان قرار دهد. چنانچه افراد جامعه در هنگام سن ازدواج با مشکلاتی ناشی از عدم هماهنگی بین راه‌ها و اهداف روبرو شوند از تشکیل نهاد خانواده باز خواهند ماند و این ساخت مهم اجتماعی را دچار بحران و نابسامانی می‌سازد. یک نظام اجتماعی می‌بایست خود را براساس نظام

ارزش‌های فرهنگی فراگیر (مذهب و خانواده) که توافق و اجماع عمومی بر پایه آن استوار شده است، نگاه دارد. و الگوهای فرهنگی را همراه با انگیزه‌های افراد احیا نموده تا انگیزه‌ها حفظ شوند (صادقی، دهقانی اشکذری، کیانی، ۱۳۹۲).

بالا رفتن سن ازدواج دختران جدایی از اینکه اثرات جبران‌ناپذیری از لحاظ روانی، اجتماعی و حتی زیستی در سطح فردی برجای می‌گذارد که در سطح جامعه و در ارتباط با خانواده نیز آثار و آسیب‌های فراوانی خواهد داشت. در نتیجه افراد ممکن است بدون در نظر گرفتن شرایط مطلوب شریک ازدواج، با فردی رابطه‌ی عاطفی برقرار کنند، در واقع انتخاب آنها بهترین گزینه برای ازدواجشان نیست و اغلب ممکن است به علت دلبستگی عاطفی و بدون در نظر گرفتن میزان تطابق و سازگاری فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، تحصیلات و غیره دست به انتخاب برای ازدواج بزنند. در واقع انتخاب آنها نوعی سر خوردن به سوی رابطه است نه تصمیم عقلانی راجع به رابطه. تجربه‌ی این معاشرت‌ها به خصوص اگر معاشرت‌ها متعدد و پیشرفته باشد می‌تواند بر تمایل به ازدواج و سن ازدواج به خصوص در بین دختران تأثیر داشته باشد، یعنی موجب تمایل کمتر به ازدواج و افزایش سن ازدواج شود (خلج‌آبادی فراهانی، کاظم پور و رحیمی، ۱۳۹۲).

همچنین به طوری که این تجربیات تغییرات نگرشی و ارزشی نسبت به جنس مخالف، همسر آینده، ماهیت ازدواج، تعهد و جایگزین‌های ازدواج در خارج از چارچوب ازدواج ایجاد می‌کند و این تغییرات موجب افزایش احتمال طلاق در افراد پس از ازدواج می‌شود (ساسلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

به نظر می‌رسد نقش فاکتورهای زمینه‌ای مشترک طلاق و داشتن تجربه‌ی معاشرت پیشرفته با افرادی از جنس مخالف غیر از همسر کنونی، قبل از ازدواج در این مورد نباید کم اهمیت دیده شود. همچنین در این نوع تأثیر فاکتور انتخاب، نقش نداشته و بلکه دیدگاه دیگر یعنی تأثیر معاشرت‌های قبل از ازدواج در نگرشها و ارزش‌های فرد می‌تواند بیشتر باشد به طوری که پابندی به ازدواج را کمتر کرده و موجب افزایش وقوع تعارضات و طلاق می‌شود. هرگاه معاشرت‌های قبل از ازدواج در بستر هنجارها و شرایط اجتماعی\_ فرهنگی جامعه با انگیزه ازدواج باشد و معیارهای شریک‌گزینی در ابتدای انتخاب فرد برای داشتن معاشرت لحاظ شود و بالاخره در جهت شناخت بیشتر برای ازدواج باشد، اثرات منفی کمتری در ازدواج خواهد گذاشت ولی هر چه انگیزه‌ی این ارتباطات غیر از ازدواج باشد، متعدد بوده و رابطه‌های

---

<sup>1</sup> Sessler



پیشرفته و جنسی را در بر بگیرد، تأثیر منفی در ازدواج داشته و احتمال طلاق در آن بیشتر است (اسچوئن و یِن-هسین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

چنین به نظر می‌رسد که افراد، با تصور ازدواج، به ارتباط با جنس مخالف روی می‌آورند؛ اما وقتی عملاً در این رابطه قرار می‌گیرند، دچار تعارض می‌شوند و به صورت ناخودآگاه درصدهای نیازهای عاطفی و جنسی خود بر می‌آیند. از نظر اسمیت و امسای<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، عشق رمانتیک و احساسات در سنین جوانی، پیش‌زمینه‌ای لازم برای سیر عادی موضوعاتی از جمله ارتباطات جدید، کشش به جنس مخالف، ازدواج و تشکیل زندگی جدید است؛ اما زمانی که این احساسات با سائق جنسی جفت شود و ازدواج میسر نشود، زنگ خطر به صدا درمی‌آید و خطرهای حاصل از ارتباط نیز افزایش می‌یابد (وودی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

همچنین بر پایه نظریه نیازهای مازلو، تا زمانی که نیازهای اولیه همچون خوراک و پوشاک و نیاز جنسی برآورده نشود، این امکان برای فرد وجود ندارد که نیروی خود را صرف اهداف و نیازهای عالی و دینی کند (هروکز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). بسیاری از روابط جوانان با جنس مخالف، به دلیل ممنوعیت‌های شرعی و قانونی و عرفی، حتی اگر با هدف ازدواج باشد، در خفا صورت می‌گیرد؛ در نتیجه، آسیب‌های ناشی از بی‌اطلاعی خانواده‌ها و همچنین لطمه‌های روانی، در اثر قطع ارتباط یک سویه یا ناآگاهی از مخاطرات روابط جنسی محافظت نشده، خود به خود افزایش می‌یابد. از سویی، جوانانی که درگیر این روابط شده‌اند، خود را در تعارض با هنجارهای مذهبی و اجتماعی خانوادگی می‌بینند. ناسازگاری این دو ارزش، آن‌ها را در دوگانگی میان ارزش‌های سنتی و مدرن عملاً سرگردان می‌گذارد. این سردرگمی چالشی بزرگ برای جوانان است که می‌تواند آن‌ها را به ناهنجارهای رفتاری و اجتماعی سوق دهد (موحد و عباسی شوازی، ۱۳۸۵).

لذا، در راستای بهبود این روابط، توجه به ارضای نیازهای جنسی و عاطفی جوانان از سوی نهادهای اجتماعی و خانواده‌ها ضروریست. این نیز، پیش از هر چیز، نیازمند برخورداری آنان از آموزش رفتارها و ارتباطات سالم است (لورانس<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۵؛ جیموت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از کربی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳).

<sup>۱</sup> - Schoen & Yen-Hsin

<sup>۲</sup> - Smith and Mccaie,

<sup>۳</sup> - Woody

<sup>۴</sup> - Horrocks

<sup>۵</sup> - Lorance

<sup>۶</sup> - Jimote

<sup>۷</sup> - Kirby

درک نیازهای جوانان جدا از تأمین صرف نیازهای مادی آنهاست و در این باره آموزش‌های لازم حتی به والدین تحصیل کرده نیز ضرورت دارد. در جامعه کنونی ما بنا به نوع مذهب و فرهنگ خاص آن تنها راه قابل قبول ارتباط دو جنس جهت پاسخ به نیازهای عاطفی و جنسی خود، ازدواج است. اما این امر همیشه به راحتی قابل تأمین نیست و به شدت تحت تأثیر باورها و هنجارهای اجتماعی و همچنین وضعیت اقتصادی و معیشتی قرار دارد. همچنین ازدواج و تشکیل زندگی نیازمند پیش‌نیازهایی مثل شغل و مسکن مناسب، گذراندن مراحل آشنایی و شناخت، رضایت خانواده‌ها و سایر معیارهایی که نه به جهت عاطفی بلکه از لحاظ عقلانی باید مد نظر قرار گیرد. لذا جوانان امروزی تحت فشار نیاز عاطفی یا غریزی یا هر دو، روش‌های متفاوتی را پیش می‌گیرند. انزوایی و پناه بردن به ناهنجاری‌های جنسی در پاسخ به نیاز غریزی یا سرکوب این غریزه است که بنابر اصول روان‌شناختی، به دور از صدمه‌های روحی و آسیب‌های اجتماعی نخواهد بود (یوسفی، اشرف و هویدا فر، ۱۳۸۶).

با توجه به اینکه حدود و احکام روابط زن و مرد و رعایت آنها، از مسایل اساسی خانواده مسلمان و ایرانی در زمینه تربیت اخلاقی و دینی فرزندان است، می‌توان گفت یکی از جهات عمده تفاوت نظام ارزشی اسلام و غرب، در ملاک‌های ارتباط پسر و دختر، به ویژه پس از سن تکلیف شرعی و بلوغ است که در دستورات دینی، مهم و اساسی می‌باشد. در حالی که نظام ارزشی غرب آن را بر اساس آراء یا به عبارت بهتر، تمایلات فردی انسان‌ها به شیوه‌ای که شاهد آن هستیم، حل کرده است اما هنوز در جامعه و فرهنگ ما این مسائل تابو و پنهان می‌باشد (اکبرزاده عبدالجبار، حسین پور لنگرودی و مصباح، ۱۳۸۹).

با توجه به تأکید بر مسئله‌ی خانواده در جامعه‌ی ایران و استحکام خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهاد‌های جامعه، توجه به ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی طلاق و آسیب‌شناسی وضع موجود اهمیت وافری دارد. لذا می‌بایست به نقش این نوع معاشرت‌ها در تحولات خانواده و ازدواج، بیش از پیش توجه شده، درباره آنها تحقیق و کارشناسی بیشتر انجام شود. به این معنی که غیر از نقش عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ازدواج و طلاق، نقش گسترش سایر جایگزین‌های ازدواج به شکل معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در تحولات خانواده و طلاق بیشتر لحاظ شود.

این پژوهش محدودیت‌هایی از جمله در ابزار پژوهش، که پژوهشگر رغبت به ازدواج و گرایش به جنس مخالف را صرفاً با ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار داده است و این پژوهش فاقد مرحله پیگیری بوده و اثر بلندمدت آموزش مهارت حل تعارض بر تمایل به ازدواج و گرایش به جنس مخالف مشخص نیست، داشت بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به بررسی و کشف عوامل دیگری به جز مهارت‌های حل

تعارض که می‌تواند در تمایل به ازدواج و گرایش به جنس مخالف تاثیر داشته باشد بپردازند. همچنین پژوهشی به بررسی تاثیر عوامل جمعیت شناختی (وضعیت اقتصادی، جنسیت، داشتن شرایط دوستی) برداشتن رابطه با جنس مخالف بپردازد.

این موضوع تاکنون در ایران (به استثنای چند تحقیق انگشت شمار در سال‌های اخیر) مورد ارزیابی و پژوهش قرار نگرفته است و لازم است؛ با پژوهش در این زمینه گوشه‌ای از این خلا را پر کرده و راهی به سوی شناخت این دانش برای آیندگان باز شود.

## منابع

- اکبرزاده عبدالجبار، ح؛ حسین پورلنگرودی، ف و مصباح، ن. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش نسبت به ازدواج و مهارت حل تعارض در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه تهران، زن و مطالعات خانواده، سال دوم، شماره ۸، ص ۳۹-۵۴.
- بولتون، ر. (۱۳۸۱). روان‌شناسی روابط انسانی مهارت‌های مردمی، ترجمه حمید رضا سهرابی، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- بیرامی، م؛ محمدپور، و؛ غلامزاده، م؛ اسماعیلی، ب. (۱۳۹۱). مقایسه شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط در سبک های دلبستگی دانشجویان، مجله علوم رفتاری، دوره ۶، شماره ۲، ص ۱۰۵-۱۰۹.
- حسینیان، س؛ و شفیع‌نیا، ا. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های حل تعارض بر کاهش تعارض های زنانشویی زنان، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره اول، شماره ۴، ص ۷-۲۲.
- خلج آبادی فراهانی، ف؛ کاظم‌پور، ش و رحیمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، خانواده پژوهی، شماره ۳۳.
- خوانساری، م و سلیمانی، ع. (۱۳۹۰). مقایسه هوش هیجانی دو گروه مجرد دارای ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال سوم، شماره ۲، ص ۱۴۵-۱۵۹.
- شاه آبادی، ا؛ سلیمانی، ز. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴۵، ص ۳۳۹-۳۶۴.
- صادقی، ا؛ دهقانی، م و کیانی، س. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه سبک‌های دلبستگی و ابعاد دوست داشتن در نوجوانان دارای رابطه و فاقد رابطه با جنس مخالف. [www.sid.ir](http://www.sid.ir)
- عابدی، م. ر؛ هویدافر، ر و یوسفی، ز. (۱۳۸۴). فرمت آموزش روابط سالم و پیش گیری از روابط آسیب زای دختر و پسر، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، دوره ۱۳، شماره ۴، ص ۱۲۳-۱۳۵.

- کمالی سنزایی، م. (۱۳۹۳). *تاثیر فرهنگ اسلامی بر سلامت ازدواج جوانان*. اداره کل تبلیغات اسلامی استان گلستان، سایت تبیان.
- موحد، م؛ عباسی شوازی، م. ت. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران نسبت به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دوجنس پیش از ازدواج، *مجله مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، سال ۴(۱)*، ص ۳۴-۱.
- میرزایی، خ و برغمندی، ه. (۱۳۸۹). رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن، *فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴*، ص ۱۳۱-۱۵۸.
- یوسفی، ز؛ اشرف، م. ر؛ هویدافر، ر. (۱۳۸۶). سالم‌سازی روابط دختران و پسران، *تازه‌های روان‌درمانی، سال ۱۲(۴۳ و ۴۴)*، ص ۸۷-۹۶.
- Hong Lim, B, K. (2000). *Conflict resolution Styles, Somatization, and Marital Satisfaction in Chinese: The Moderating Effect of Forgiveness and Willingness to Seek Professional Help*. Doctoral Dissertation, Texas Tech University.
- Horrocks, M (2010). *Financial Management Practices and Conflict Management Styles of Couples in Great Marriages*. Master Thesis. Utah State University. Available online at: <http://digitalcommons.usu.edu/etd/733>.
- kirby, D. (2003). *BDI logic model: A useful tool for rating and evaluating and evaluating programs to reduce adolescent sexual risk*.
- Linaman, F (2000). A framework for intervention in marital conflicts over family, *American Journal of family Therapy*, 28(1), 75-87.
- Schoen, Robert & Yen-Hsin ,Alice Cheng (2006). "Partner Choice and the Differential Retreat From Marriage", *Journal of Marriage and Family*. 68, 1 (February, 1-10).
- Sessler DI.( 2001). Complications and treatment of mild hypothermia. *Anesthesiology, journals of Family* ;95:531-43.
- Sharif, Farkhondeh; Soleimani, Sarah; Mani, Arash; Sareh Keshavarzi. (2013). The Effect of Conflict Resolution Training on Marital Satisfaction in Couples Referring to Counseling Centers in Shiraz, Southern Iran, *IJCBNM; Vol 1*, No 1,25-34.
- Smith.E.R. Mccaie.D.M. (2007). *Social psychology*, New York: Worth publishers.
- Woody, J. (2005). Emotions and motivations in first adolescent intercourse: an exploratory study based on object relations theory, *The Canadian journal of Human Sexuality*, 25: 24-35.